

## خاطرات انقلاب

### شمیم انقلاب در زندان برازجان

سال ۱۳۴۸ خورشیدی ما از زندان قصر تهران به زندان برازجان تبعید شدیم. آیت الله انواری، شهید بزرگوار عراقی و بنده، سه نفری به برازجان تبعید شدیم. ماهر سه به یک اتهام در بیادگاه شاه محاکمه شده بودیم. علت تبعید را هم اشاره می‌کنم. چهار نفر از اعضای یک گروه چپ از زندان فرار کردند. البته فرار ناموفق داشتند. فرار اینها باعث شد که زندانبانان در کل زندان‌ها شدت عمل به خرج دادند. آن چهار نفر از بچه‌های گروه جزئی بودند. دستگیر شدند. روی پشت بام یا باغ زندان قصر دستگیر شدند. فردای آن شب گاردی‌ها ریختند زندان و به شدت سخت‌گیری کردند. همه وسایل رفاهی را از ما گرفتند. کتاب‌ها را جمع کردند. برق لامپ‌ها را قطع کردند. حمام را قطع کردند. ملاقات را قطع کردند. مادر برابر این خشونت زندانبانان اعتصاب غذا کردیم. به غیر از آیت الله انواری، ما همگی اعتصاب غذا کردیم. آیت الله انواری بیمار بودند و نتوانستند در اعتصاب غذا شرکت کنند. ۱۱ روز این اعتصاب طول کشید. شب یازدهم رئیس کل زندان‌ها به همراه چند نفر از ساواکی‌ها آمدند بند ما. رئیس کل زندان‌ها رو به آقای انواری کرد و گفت: «ای شما نباید به اینها بگویی اعتصاب غذا حرام است؟ چرا تذکر ندادید؟ آقای انواری خیلی شجاعانه جواب داد: «ای من باید به این آقایان تذکر بدهم که اعتصاب غذا نکنند؟ گفت: بله دیگه. آقای انواری گفت: اول باید به شما تذکر می‌دادم که چرا اینقدر ظلم می‌کنید و دیگر وقت برای تذکر دادن به اینها نمی‌رسد. رئیس کل زندان‌ها گفت: معلوم می‌شود که شما هم با اینها هستید.

دو روز بعد من و آقای انواری و شهید عراقی را تبعید کردند به برازجان. ما رفیق و وقتی رسیدیم برازجان خیلی به ما سخت‌گیری کردند. در زندان برازجان یک بند سیاسی بود. چند نفر از نیروهای چپ آنجا بودند. دو نفر از همین افرادی که قصد فرار داشتند هم در آنجا بودند. یک روز به ما اطلاع دادند که آیت الله هاشمی رفسنجانی می‌خواهند ببینند ملاقات. وضع ملاقات در برازجان خیلی سخت بود. سخت‌گیری زیاد بود. هر کس می‌آمد ملاقات دستگیر می‌شد و می‌بردند ساواک شیراز و او را شکنجه می‌کردند. آیت الله هاشمی رفسنجانی در چنین شرایطی آمد زندان برازجان ملاقات ما. نه تنها خودش آمد، همسر فرزندان هم آمدند حتی دخترانش. یعنی تمام خانواده آیت الله هاشمی رفسنجانی سال ۱۳۴۹ آمدند زندان برازجان و در سخت‌ترین شرایط با ما ملاقات کردند. آقای حاج شیخ علی اصغر مرورید را هم آوردند. یکی از مبارزین جدی بود. ایشان هم با خانواده آمدند. آقای حبیب الله شفیق هم با خانواده آمدند. آقای نیری با خانواده آمدند. آقای ابوالفضل توکلی بینا هم با همه اعضای خانواده آمدند. آقای حاج حسین مهدیان هم همراه خانواده آمدند. یک کاروان بزرگ را آیت الله هاشمی رفسنجانی تدارک دیده و آمدند ملاقات مادر زندان برازجان. به هر طریق که بود اجازه دادند که کاروان آیت الله هاشمی رفسنجانی ببینند داخل زندان. داخل بند ما و ما ملاقات کردیم. آقای عراقی دست به کار شد و غذا را تهیه دید و سه تاسفره در زندان برازجان انداخت. یک سفره آقایان، یک سفره خانم‌ها و یک سفره برای بچه‌های کاروان. این موضوع اصلاً در زندان برازجان سابقه نداشت. آقای هاشمی رفسنجانی در آنجا یعنی در آن شرایط سخت و در زندان برازجان سخنرانی کرد. در تشویق و تأیید و تبلیغ مبارزات. این کار آیت الله هاشمی رفسنجانی در آن شب ظلمانی رژیم ستمشاهی خیلی مهم بود. این سخنرانی که ایشان کرد واقعاً خیلی تلخی‌های تبعید و زندان برازجان را از ما گرفت. زندان برازجان جای خیلی سختی بود. اتاق من در زندان برازجان بغل اتاق آقای انواری و شهید عراقی بود. من از این اتاق می‌خواستیم بروم آن اتاق با دمپایی پالم می‌سوخت. در زندان برازجان به ما روزی ۲۸ ریال به عنوان جیره زندانی می‌دادند. ۲۸ ریال هم رویش می‌گذاشتیم می‌شد ۳۰ ریال، تمام ۳۰ ریال را می‌دادیم بیخ می‌خریدیم. کاروان آقای هاشمی رفسنجانی سه روز دیگر در برازجان ماندند و هر سه روز می‌آمدند زندان و ناهار با ما می‌خوردند و می‌رفتند. باز هم باید از آن جناب سرهنگ رئیس زندان برازجان به نیکی یاد کنم. این سرهنگ آن روزها واقعاً خیلی سهولت با ما به خرج داد. (خاطرات حبیب الله عسکراولادی - مرکز اسناد انقلاب اسلامی) □

### روز شمار انقلاب (۱۹ بهمن)

### پیام مهم امام به ارتش

● تظاهرات گسترده در اعلام موافقت با دولت مهدی بازرگان در سراسر ایران همچنان ادامه دارد. در این تظاهرات‌ها که موتور محرک آن دعوت امام خمینی (ره) از مردم برای حمایت از دولت موقت است پیام رهبر انقلاب اسلامی خطاب به ارتش‌ها بین مردم دهان به دهان می‌چرخد. در بخشی از این پیام آمده است: «ما به نظامیان می‌گوییم به ملت ملحق شوند، می‌گوییم اسلام بهتر از کفر است، ملت برای شما بهتر از اجنبی است. مامی خواهیم که مملکت دارای یک نظام قدرتمند باشد. مامی خواهیم نظام را به هم بزنیم. لکن نظامی ناشی از ملت و در خدمت ملت نه نظامی که دیگران آن را سرپرستی بکنند و دیگران به این نظام فرمان بدهند.» بنا بر برخی اخبار، نظامیان در بعضی نقاط به سوی مردم تیراندازی کردند اما در عمده شهرهای بزرگ کشور همکاری ارتش و مردم کاملاً قابل مشاهده و لمس شدنی است.

● شاپور بختیار در ادامه اعلام مخالفت‌های دنباله‌دارش با دولت موقت طی یک مصاحبه مطبوعاتی تأکید کرده که یک‌عضای دولت موقت که بخواهد وارد وزارتخانه‌ها شود، توقیف خواهد شد. در مقابل کارکنان ۱۱ وزارتخانه نیز با انتشار بیانیه‌ای مشترک اعلام کردند فقط از دستورات کابینه مهندس بازرگان اطاعت خواهند کرد. از سوی دیگر سپهبد مقدم رئیس سازمان منحل شده ساواک در پی نشر اخباری مبنی بر حمله مردم به مراکز این سازمان، به رؤسای ساواک سراسر کشور دستور داد در صورت لزوم اسناد و مدارک محرمانه را از میان ببرند. همچنین خبر می‌رسد بختیار از ارتشید قره باغی رئیس ستاد ارتش خواسته است دستور بمباران انبارهای اسلحه‌های سبک و مواد منفجره قابل حمل را صادر کند.

● سر تیترا اخبار: «تعدادی از پرسنل نیروی هوایی بالباس و یونیفورم نظامی به مدرسه علوی رفتند و با امام خمینی بیعت کردند». «دولت لیبی حمایت خویش را از انقلاب مردم ایران اعلام کرد». «امام خمینی به زیارت حرم حضرت عبدالعظیم (ع) رفتند». «در تهران شماری از هواداران اجیر شده رژیم به طرفداری از قانون اساسی تجمع کرده و با مخالفین درگیر شدند». «ارتشید قره باغی رئیس ستاد ارتش بار دیگر ارتشیان را از دخالت در سیاست برحذر داشت». «جعفر شریف امامی که از طرف دادستانی کشور ممنوع‌الخروج شده بود، از کشور گریخت». «امام خمینی طی نطق کوتاهی که از «شبکه انقلاب» (تلویزیون راه‌اندازی شده توسط کارکنان اعتصابی رادیو و تلویزیون) به طور مستقیم پخش شد، ضمن آرزوی موفقیت برای کارکنان رسانه‌های جمعی تأکید کردند دستگاه‌هایی در این قسمت بوده و هست که بایستی در خدمت مردم می‌بودند، ولی رژیم غاصب از آن‌ها در راه هدف‌های نامشروع استفاده کرده است». □



### بزرگه انقلاب

## مقاله اهانت آمیز، بنیان کن و سلطنت برانداز

«این روزها به مناسبت ماه محرم و عاشورای حسینی بار دیگر آذهان متوجه استعمار سیاه و سرخ یا به تعبیر دیگری اتحاد استعمار کهن و نوشده است. استعمار سرخ و سیاهش، کهنه و نویش، روح تجاوز و تسلط و چپاول دارد و با اینکه خصوصیت ذاتی آنان همانند است، خیلی کم اتفاق افتاده است که این دو استعمار شناخته شده تاریخ یا یکدیگر همکاری نمایند، مگر در موارد خاصی، که یکی از آن‌ها همکاری نزدیک و صمیمانه و صادقانه هر دو استعمار در برابر انقلاب ایران بخصوص برنامه مترقی اصلاحات ارضی در ایران است. سرآغاز انقلاب شاه و ملت در روز ششم بهمن ماه ۲۵۲۰ شاهنشاهی استعمار سرخ و سیاه ایران را که ظاهر هر کدام در کشور ما برنامه و نقشه خاصی داشتند یا یکدیگر متحد ساخت، که مظهر این همکاری صمیمانه در بلوای روزهای ۱۵ و ۱۶ خرداد ماه ۲۵۲۲ (۱۳۴۲) در تهران آشکار شد. پس از بلوای ۱۵ خرداد که به منظور متوقف ساختن و ناکام ماندن انقلاب درخشان شاه و ملت پایه ریزی شده بود، ابتدا کسانی که واقعه را مطالعه می‌کردند دچار یک نوع سرگیجی عجیبی شده بودند، زیرا در یک جادوی استعمار سیاه و در جای دیگر اثر انگشت استعمار سرخ در این غائله به وضوح دیده می‌شد.

از یک سو عوامل توده‌ای که با اجرای برنامه اصلاحات ارضی همه امیدهای خود را برای فریفتن دهقانان و ساختن انجمن‌های دهقانی نقش بر آب می‌دیدند در برابر انقلاب دست به آشوب زدند و از سوی دیگر مالکان بزرگ که سالیان دراز میلیون‌ها دهقان ایرانی را غارت کرده بودند و به امید شکستن این برنامه و رجعت به وضع سابق، پول در دست



عوامل توده‌ای و ورشکستگان دیگر سیاسی گذارده بودند و جالب اینکه این دسته از کسانی که باور داشتند می‌توانند چرخ انقلاب را از حرکت بازدارند و اراضی واگذار شده به دهقانان را از دست آنها خارج سازند، دست به دامن عالم روحانیت زدند زیرا می‌پنداشتند که مخالف عالم روحانیت که در جامعه ایران از احترام خاصی برخوردار است، می‌تواند تنها برنامه انقلاب را دچار مشکل سازد، بلکه همانطور که یکی از مالکان بزرگ تصور کرده بود «دهقانان زمین‌ها را به عنوان زمین غصبی پس بدهند!» ولی عالم روحانیت هوشیارتر از آن بود که علیه انقلاب شاه و ملت که منطبق با اصول و تعالیم اسلامی و به منظور

محمدعلی رجایی

دومین نخست وزیر

دومین رئیس جمهوری

ایران بود که در حادثه

انفجار دفتر نخست

وزیر در تاریخ ۸

شهریور ۱۳۶۰ به شهادت

رسید. رجایی قبل از

پیروزی انقلاب با

گروه‌های ضد حکومت

پهلوی با گزارش‌های

مختلف، مانند جمعیت

فدائیان اسلام، نهضت

آزادی ایران و مؤتلفه

اسلامی همکاری داشت.

او با بنیانگذاران سازمان

مجاهدین خلق نیز تا

قبل از تغییر ایدئولوژیک

آنها از اسلام به

مارکسیسم، همکاری

می‌کرد. او ولایت فقیه را

جوهره انقلاب اسلامی

می‌دانست و برای

برقراری عدالت اسلامی،

معتقد به پیاده کردن

اقتصاد اسلامی بود.

پس از عزل بنی صدر از

مقام ریاست جمهوری،

رجایی با کسب ۸۸

درصد آرای مردم رئیس

جمهوری ایران شد. امام

خمینی (ره) محمدعلی

رجایی را فردی توصیف

کرد که از زمان

جمهوری تغییر رویه را

ایجاد نشده است. □